

# دموکراسی، آزادی و سکولاریسم در اندیشه امام خمینی (ره)

زهره صداقتی نیا\*

محمد قدرتی\*\*

مقصود رنجبر\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۰

## چکیده

این مقاله در راستای توصیف و تبیین اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و به منظور آشنایی با جریانهای آزادی، دموکراسی و سکولاریسم در اندیشه امام خمینی به نگارش در آمده است. بی گمان اندیشه امام، جامع و منسجم و منطقی است و اجزای آن دارای ارتباطی ارگانیک با یکدیگر است. مسئله توجه به توسعه سیاسی به عنوان یکی از راهکارهای رسیدن به جامعه نمونه مدنظر امام (ره) بوده است. توجه به مردم سالاری و پذیرش نظر اکثریت در اندیشه حاکم بر نظام، امری پذیرفته شده شمرده می شود. بنیان گذار جمهوری اسلامی با بیان این مطلب که قصد تحمیل کردن چیزی بر ملت ندارد و اسلام و پیامبر اسلام (ص) نیز اجازه این کار را نداده اند، به شباهت احتمالی مردم سالاری مدنظر خود با نمونه غربی اشاره کرده، تصریح می کند: «آن دموکراسی که ما می خواهیم به وجود آوریم، در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام، کامل تر از دموکراسی غرب است.» مقوله آزادی نیز به عنوان حق اولیه بشر در این حکومت پذیرفته شده است. امام خمینی (ره) معتقد بود: «در اسلام آزادی هست برای همه طبقات، اساس بر آزادی و استقلال کشور است؛ البته ایشان تصریح می کرد. که: «آزادی، در حدود قانون است، معنای آزادی این نیست که هر کس هر چه دلش می خواهد بگوید». جمهوری اسلامی، حکومتی بر پایه آزادی و مردم سالاری در چهارچوب اسلام است. در جریان فکری سکولاریسم، پیروان این بینش، بر این پندارند که دین و هر چیزی که جنبه قداست و معنویت دارد، باید از روابط و فعالیتهای اجتماعی بر کنار باشد. بنابراین پندار، دین، منحصر و محدود در امور فردی است و با مقوله های سیاست و اجتماع ناسازگار است. ریشه و اساس این تفکر را باید در موضع گیریهای مغرب زمین در مقابل دین جستجو کرد.

**کلیدواژگان:** امام خمینی، اندیشه سیاسی، آزادی، دموکراسی، حکومت اسلامی، سکولاریسم.

\* کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

\*\* کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

\*\*\* نویسنده مسئول: استادیار، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: Maghsoodranjbar@gmail.com

سیهر سیاست

سال دوم

شماره ششم

زمستان ۱۳۹۴

امام خمینی (ره) در نظریات فقهی خود درباره اداره نظام اسلامی و اجرای احکام شرع از استقرار و ایجاد حکومت اسلامی و یا دولت اسلامی نام برده اند و در خصوص تمایز حکومت اسلامی از سایر حکومت ها، از منظر فقهی امام (ره)، حکومت اسلامی با سلطنت متفاوت است. حکومت اسلامی از بدو تأسیس بر سلطنت و ولایتعهدی خط بطلان کشیده و بساط آن را در صدر اسلام در ایران و روم شرقی و مصر و یمن بر انداخته است. حکومت اسلامی از نوع استبدادی و یا مشروطه سلطنتی نیست، بلکه حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است.<sup>۱</sup> بنابراین نقطه تمایز نظام اسلامی با سایر دولت هایی که دارای حکومت های استبدادی، مشروطه سلطنتی و یا سایر حکومت ها است از دیدگاه ایشان در رعایت و اجرای قوانین و مقررات اسلامی است.

امام (ره)، در برابر فرهنگ غربی موضعی گزینشی داشت که خود راه سوم بود در برابر روشنفکران غرب زده و سنت گرایان. به دیگر سخن، امام (ره)، با نقد همزمان اندیشه غربی و پاره ای از دیدگاههای سنتی نشان داد که جریان فکر و اندیشه اصلاحی، کهنه و نو ندارد؛ یعنی زمان مند نیست چنانکه شرقی و غربی نیز ندارد؛ یعنی مکان مند هم نیست؛ بلکه قانونها و آیینهایی که با دین، همان فطرت الهی انسان، سازگاری داشته باشد. البته آن گونه برداشت از دین که در پیوند با بوده و هست زمانه باشد. چه قدیم و چه جدید و چه شرقی و چه غربی، می تواند در یک سازوکار اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

در سالهای پس از انقلاب، نیروهای سیاسی - فکری مختلفی در صحنه سیاسی کشور ظهور یافتند که به دو جریان سکولار و مذهبی تقسیم کرد. نیروهای سکولار شامل گروههای سیاسی چپ گرا (کمونیزم، سوسیالیستها و...) و گروههای سیاسی لیبرال (جبهه ملی) بودند که بر استقرار حکومتی غیر دینی و سکولار پای می فشرده. این گروه با تأکید بر دموکراسی<sup>۲</sup>، از جمهوری یا جمهوری دموکراتیک (از حکومتی غیر دینی) حمایت می کردند.<sup>۳</sup>

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، چاپ سوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴-ص ۷  
2. democracy  
۳. فوزی توپسرکانی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف، ویرایش ۲، قم: نشر معارف ۱۳۸۸.



در مقابل نیروهای مذهبی خواستار حکومتی متأثر از اسلام و ایدئولوژی اسلام با عنوان «جمهوری اسلامی»، «جمهوری دمکراتیک اسلامی» و یا «حکومت اسلامی» دفع می‌کردند.

## دموکراسی

دموکراسی (democracy) در لغت یعنی حکومت به وسیله مردم. این اصطلاح همچون بسیاری از مفاهیم، در علوم اجتماعی، تعریفی جامع و مانع ندارد و تعاریف زیاد و معانی متفاوتی از آن ارائه شده است. به طور کلی می‌توان یکی از این تعاریف را در دو دسته تقسیم بندی کرد:

برخی از تعاریف، دموکراسی را نوعی هدف و «ارزش» می‌دانند در این تفکر دموکراسی بر مبنای اصول و ارزشهای خاص استوار است که مهمترین شاخص های آن عبارتند از:

- **نسبی گرایی:** یکی از ویژگی های دموکراسی این است که به حقایقی ثابت و مطلق، به ویژه در امر قانون گذاری ایمان ندارد. به عبارت دیگر هیچ عقیده و ارزشی به عنوان حقیقت ازلی و ابدی قلمداد نمی‌شود و به جای اعتقاد به یک حقیقت مطلق، دموکراسی به پراگماتیسم و نسبییت عقاید و ارزشها معتقد است. در چنین نظامی قوانین ناشی از خواست انسانها و محصول عقل ابزاری است و ارتباطی به ماوراء طبیعت و وحی ندارد. نسبی گرایی در دو عرصه تنوع و چندگانگی عقاید، و تکثر سیاسی نمود پیدا می‌کند.<sup>۱</sup>

- **مشروعیت مردمی:** در دموکراسی مشروعیت حکومت و قوانین مبتنی بر خواست و رضایت مردم است و مردم قدرت و مشروعیت را به دستگاه حکومتی و رئیس حکومت می‌بخشند و فقط قدرتی که از مسیر اراده و خواست عمومی مردم به فرد واگذار شود مشروعیت دارد و دیگر مسیرهای انتقال قدرت رسمیت ندارد.

گروه دیگر، رویکردها و تعاریفی است که دموکراسی را تنها مشابه یک

۱. ر.ک: فلسفه سیاست، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۱۳۷.

«روش» برای توزیع قدرت سیاسی و ابزار و ساز و کاری صوری برای تصمیم‌گیری می‌دانند. دموکراسی به عنوان روش، در پی به حداقل رساندن خطاهای مدیریت جامعه و به حداکثر رساندن مشارکت مردم و کاهش دادن نقش افراد، به عنوان فرد، در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است.

### دموکراسی از نظر امام خمینی (ره)

دموکراسی از ارکان مهم به حقیقت پیوستن توسعه سیاسی است و مفهوم روشن آن تکیه حکومت برخواست و تایید شمار بیش تر (اکثریت) مردم می‌باشد. امام بر این باور بود که دموکراسی، به این معنی در صدر اسلام و متن آن سابقه دارد و رژیم اسلامی، یک رژیم دموکراسی بوده است.<sup>۱</sup>

در این باره اگر نگاهی به گسترش دعوت اسلامی در مدینه، پیش از آمدن پیامبر (ص) بیفکنیم، می‌توانیم خواست و اراده مردمی را در تشکیل نخستین حکومت اسلامی در جهان چهارده سده پیش، نمایان و پیدا ببینیم. آن هنگام که نظام پادشاهی مستبد در ایران برقرار بود و اروپا دوران قرون وسطی را می‌گذراند و آنچه در این دو گونه نظام معنی، نداشت، خواست و اراده مردم بود.

امام به پشتوانه چنین تکیه گاه استوار و روشنی نظام اسلامی را جدا از دموکراسی نمی‌بیند، بلکه اعلام می‌کند: دموکراسی اسلام، کامل تر از دموکراسی غربی است. (۷) و با توجه به الگویی از حکومت که در ذهن امام بود و بر پایه نظام حکومت نبوی (ص) و سپس علوی (ع) استوار گردیده بود، به روشنی به مخالف با واژه جمهوری دموکراتیک اسلامی، برخاست؛ زیرا بر این باور بود که افزودن واژه دموکراتیک.

«این توهم را در ذهن می‌آورد که اسلام محتوایش خالی است از این، لذا احتیاج به این است که قیدی پهلویش بیاورند و این برای ما بسیار حزن‌انگیز است؛ زیرا اسلام همه چیز است، مانند این که شما بگویید ما اسلام می‌خواهیم و می‌خواهیم به خدا هم اعتقاد داشته باشیم.»

اما این پایان دیدگاه امام نیست؛ بلکه در نظر ایشان دموکراسی اسلامی یک رکن



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

۱. صحیفه نور، رهنمودهای امام خمینی، ج ۲/۲۲۲، ۵۵۲، وزارت ارشاد.

دیگر هم دارد و آن این که مخالف شریعت و احکام اسلامی نباشد. به دیگر سخن، دموکراسی اسلامی دو رکن دارد:

۱. نگهداشت قانونها و آیینهای اسلام: ایشان با تکیه بر دیدگاه اعتقادی شیعه که پست امامت و رهبری امت را همچون نبوت، امری الهی می داند، حکومت را که ساختار اجرایی مقام امامت است، در پیوند با مشروعیت دینی معنی می کند و هر حکومتی را که چنین مشروعیتی نداشته باشد، طاغوتی اعلام می کند.

۲. رای شمار بیش تر مردم: با وجود نکته پیشین، همواره باید رای شمار بیش تر مردم نیز همراه حکومت باشد و اگر این پشتوانه مردمی همراه هر حکومتی نباشد، نمی تواند پایدار بماند. امام، مخالفت خود را با اصل سلطنت و رژیم شاهنشاهی ایران، متکی نبودن آن به آرای ملی اعلام کرد و در بیانی دقیق، اعلام فرمود:

«طبیعی است که زمامداری که با سر نیزه یا توارث روی کار آمده و متکی به آرای ملت نیست، هرگز خود را موظف به وضع و یا اجرای قوانینی که به نفع مردم باشد نمی داند.»<sup>۱</sup>

امام، با تکیه بر باورهای دینی مردم، اسلامی بودن نظام را امری طبیعی و از پیش تعیین شده گرفته و پذیرش نظام اسلام را هم خواست طبیعی مردم می داند. با توجه به فرمایشات امام (ره) مشخص می شود که ایشان دموکراسی را قبول دارند ولی نه دموکراسی موجود در غرب، بلکه دموکراسی که موردنظر اسلام باشد و در حقیقت دموکراسی که اسلام می پذیرد.

### دیدگاه امام (ره) نسبت به دموکراسی غربی

می توان گفت مبانی دموکراسی امام کاملاً با مبانی دموکراسی موجود در غرب تفاوت دارد چون در مبانی دموکراسی امام به تمام جنبه های انسان توجه می شود و قبل از همه چیز خدا را در نظر می گیرند و به همین خاطر امام خمینی دموکراسی اسلامی را ماهیتاً متفاوت با دموکراسی موجود در غرب و شرق می داند و در همین

۱. همان، ج ۴/۱۷۱؛ ج ۳/۰۷۱

رابطه، امام خمینی در پیام رادیو — تلویزیونی پس از انجام رفراندوم جمهوری اسلامی، که بیش از ۹۸ درصد ملت ایران رأی مثبت دادند، بعد از تشکر از ملت و تأکید بر مبنای دموکراتیک حکومت اسلامی، آن را ماهیتاً متمایز از نوع غربی و شرقی دانسته و معتقد است:

«دموکراسی، غربی‌اش فاسد است و شرقی‌اش هم فاسد است. دموکراسی اسلامی صحیح است و ما بعدها اگر توفیق پیدا کنیم به شرق و غرب اثبات می‌کنیم که دموکراسی که ما داریم، این دموکراسی است نه آن که شما دارید و طرفدار سرمایه‌داران هستید و نه اینکه آنها دارند و طرفدار ابرقدرتها هستند و همه مردم را در اختناق عظیم گذاشتند.»<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد علت اینکه امام خمینی دموکراسی صحیح را در حکومت اسلامی می‌داند این است که در دموکراسی مسأله مهم، توجه به خواست ملت در تمام ابعاد انسانی است، نه در یک بعد، و اسلام به تمام این ابعاد توجه کرده است. امام خمینی دموکراسی‌های موجود در غرب را غیرواقعی دانسته و مدعی است که دموکراسی اسلامی شکل واقعی آن را به نمایش خواهد گذاشت و دموکراسی موردنظر خود را متفاوت از دموکراسی موجود در غرب می‌داند. از این رو دموکراسی مدعای آنان را نه دموکراسی بلکه نوعی استبداد و دیکتاتوری تلقی کرده است.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

### شاخص‌های دموکراسی در اندیشه امام خمینی

با توجه به پایبندی عملی حضرت امام به شاخصه‌های دموکراسی (آزادی و برابری) اینک به بررسی آنها در اندیشه‌های امام می‌پردازیم:

#### آزادی در اندیشه امام خمینی

آزادی از دیدگاه امام عبارت از حق انتخاب و یا اختیاری است که انسان‌ها در رابطه با نوع زندگی، مشی، عقیده، نظر و رأی خود دارند، محدوده آن تا مرز قوانین اسلام می‌باشد که در کشور در قالب قانون اساسی تبلور یافته است.

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۳۵.

آزادی در تفسیر اسلامی به معنای فراهم بودن امکانات لازم برای بهره‌مند شدن  
آحاد ملت از حقوق حقه خود می‌باشد، تا هر یک بتواند از حقی که طبیعت برای  
او فراهم کرده به نحو احسن بهره‌مند گردد. در این گونه آزادی طبعاً محدودیت در  
چهارچوب قانون را ایجاب می‌کند تا مانع از تراحم حقوق باشد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که منظور از آزادی، هرج و مرج نیست بلکه خود  
آزادی نیز برای احترام و حیثیت انسان می‌باشد. پس حتماً این آزادی باید حدود و  
قوانین داشته باشد تا از آن فراتر نرود. به همین خاطر امام معتقد بودند قوانین دینی  
به عنوان مرزهای آزادی می‌باشد. از طرفی چون بعد از پیروزی انقلاب اسلامی  
قانون اساسی کشور بر اساس قوانین اسلامی تدوین گردید. امام رعایت قانون  
اساسی را الزامی می‌دانستند و بر حرکت روی مرزهای قانون تأکید داشتند. و در  
بخشی دیگر از سخنانشان فرموده‌اند: «آزادی که می‌خواهیم ما، آن آزادی که اسلام  
به ما داده است، حدود دارد آزادی، آزادی در حدود قانون است. همه جای دنیا  
اینطور است که آزادی که هر ملتی دارد، در حدود قانون آزادی دارد. نمی‌تواند  
کسی به اسم آزادی قانون‌شکنی بکند»<sup>۱</sup>

ایشان تأکید داشتند نباید از آزادی‌ها سوءاستفاده شود بلکه باید از آزادی در  
جهت هدایت ملت و منفعت ملت استفاده نمود؛ بنابراین هر وقت اگر کسی یا  
کسانی بخواهند از آزادی در جامعه سوءاستفاده کنند باید جلو آنها را بگیرند.  
امام خمینی آزادی را قبول دارند و اصولاً یکی از اهداف ایشان در مبارزه با  
رژیم پهلوی همین آزادی بوده است ولی آزادی موردنظر امام با آزادی رایج در  
جوامع غربی تفاوت دارد.

### آزادی بیان و عقیده

به نظر امام در یک جامعه اسلامی همه افراد در ابراز عقاید خود آزادند و آزادی  
بیان، قلم و عقیده نیز برای همگان آزاد است. ایشان آزادی اظهارنظر را حق  
مخالفان نیز می‌دانستند که بتوانند اظهار مخالفت کنند. در این مورد می‌فرمایند:  
«کسانی که مخالف هستند، آزاد و مختارند که اظهار مخالفت نمایند و علمای اعلام

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۳۵.

شهرستان‌ها و قری و قصبات و خود ملت مکلف‌اند که نگذارند کسی سلب آزادی از کسی بکنند.»

بطور خلاصه می‌توان گفت که دو دیدگاه بارز در مورد آزادی بیان و عقیده وجود دارد: یک دیدگاه، که اعتقاد دارد آزادی حق طبیعی تمام انسان‌ها با هر عقیده و مرامی است و شهروندان از حیث برخوردار از نعمت آزادی، همه با هم برابرند؛ و دیدگاه دیگر اینکه، آزادی بیان و عقیده را صرفاً برای شهروندان معتقد به نظام سیاسی و اعتقادی کشور جایز می‌داند و ایشان به دلایل اعتقادی این حق را برای همگان قائل‌اند.

امام آزادی بیان و عقیده را مختص فرد یا طبقه خاصی نمی‌داند بلکه معتقدند: آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد می‌باشد. و یا می‌فرمودند: در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی با هرگونه عقیده‌ای هستند.

پس می‌توان گفت: امام اعتقاد به حقوق انسانها و حق طبیعی آزادی بیان و عقیده برای تمامی انسان‌ها دارند.

### آزادی مطبوعات

یکی از لوازم وجود آزادی، که در آزادی بیان و اندیشه مطرح می‌شود، وجود مطبوعات و رسانه‌هایی است که اندیشه‌ها را مطرح می‌کنند. چون امام خمینی برای تعلیم و تربیت افراد در جامعه اهمیت زیادی قائل هستند و مطبوعات هم در این امر نقش اساسی دارند. به همین خاطر امام امت از آزادی مطبوعات حمایت می‌کنند البته با محدودیت‌هایی که قائل هستند و در همین رابطه می‌فرمایند: «روزنامه‌هایی که مضر به حالت ملت نباشد و روزنامه‌هایی که نوشته‌شان گمراه‌کننده نباشد آزادند.»

در تفکر امام مطبوعات نقش بسیار مهمی در جامعه دارند. ایشان مطبوعات را منعکس‌کننده آرمان‌های ملت دانسته و فرموده‌اند: «نقش مطبوعات در کشورها منعکس کردن آرمان ملت است. مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت را و جوانان را تربیت می‌کنند و آرمان ملت را منعکس می‌کنند.»

### آزادی احزاب

امام با رعایت کردن محدودیت‌های ذکر شده درباره آزادی، وجود احزاب را در



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴



کشور می پذیرند. ایشان می فرمایند: «همه مردم آزادند، مگر حزبی که مخالف با مصلحت مردم و مملکت باشد.» و در نهایت امام با اعتقاد کامل به آزادی احزاب و تشکل‌ها در اسلام، این چنین می فرماید: «کشور اسلامی ایران یک مجلس که اعضای آن از طریق آرای عمومی مردم انتخاب خواهند شد، خواهد بود و تنها به احزاب و گروههایی اجازه شرکت در انتخابات داده خواهد شد که به منافع ملی احترام بگذارند.»

با توجه به مطالب بالا می توان گفت که امام خمینی از آزادی‌های سیاسی - اجتماعی که مشروع باشند و مخالف مصالح مردم نباشند و مردم را به صحنه می کشانند و حمایت می کنند و آزادی‌های غربی را که همراه با فساد و بی بند و باری است قبول ندارند و آن آزادی که جامعه را به سوی خداوند متعال می کشاند می پذیرند.

### برابری در اندیشه امام خمینی

برخی از طرفداران دموکراسی بر این باورند که «برابری کمال مطلوب دموکراسی» است. در حقیقت می توان گفت که یکی از شایستگی‌های دموکراسی تأمین برابری است یعنی، بدون تأمین برابری دموکراسی قابل تحقق نیست. می توان گفت مؤلفه مهم در دموکراسی و یا رکن دوم دموکراسی از ارکان نظام دموکراسی، برابری میان شهروندان است.

و منظور از برابری این است که هر فردی از افراد جامعه از حق شرکت در وضع قوانین دولتی یا نقد آن برخوردار باشد.

به طور خلاصه می توان گفت برابری یعنی اینکه افراد بشر در مقابل قانون مساوی هستند، این برابری ناشی از برابری در آفرینش آنهاست، زیرا افراد بشر برابر آفریده شده اند. مفهوم برابری در یک مفهوم وسیعتر عبارت است از: برابری در مقابل قانون، برابری در انتخابات، برابری در داشتن فرصت‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مشابه نادیده گرفتن یا لغو امتیازات موروثی، نژادی، ملی و... از جمله مصادیق برابری می باشند.

امام خمینی برابری انسان‌ها را قبول دارند و تنها ملاک برتری افراد نسبت به یکدیگر را تقوی می دانند و می فرمایند:

«در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و اشخاص غیرغنی و اشخاص سفید

دموکراسی، آزادی  
و سکولاریسم در  
اندیشه امام خمینی (ره)  
(۵۹ تا ۷۳)

و سیاه، اشخاص مختلف بین شیعه، عرب و عجم و ترک و غیر ترک به هیچ وجه امتیازی نیست... در حکومت اسلامی باید امتیازات از بین برود و همه مردم مساوی هستند، با هم، و حقوق تمام اقشار به آنها داده می شود. همه با هم مساوی هستند...»

از این رو می توان نتیجه گرفت که به نظر امام نباید بین افراد، اعم از بی سواد و باسواد، مسئولان و غیرمسئولان امتیاز قائل شد و همه افراد نسبت به هم برابرند و هیچ امتیازی نسبت به هم ندارند و بین افراد نباید تبعیض قائل شد.

### سکولاریسم

واژه سکولاریسم (secularism) از ماده «secular» اخذ گردیده است این واژه نیز از (seculum) که لاتینی است، مشتق شده است واژه (seculum) به معنای گیتی و دنیا بویژه دنیا در برابر مسیحیت (دین) تعریف می شود.<sup>۱</sup> برای واژه سکولار (secular) معادل های متفاوتی در زبان فارسی ذکر شده است. از جمله این معادل ها بشری، زمینی (غیر معنوی)، دنیوی، غیر مذهبی، این دنیایی، عرفی و این جهانی می باشد.<sup>۲</sup> بر این اساس سکولاریسم (secularism) به معنای عرفی گرایی، دنیایی گرایی، دنیوی گرایی و ... می باشد.

پیروان این بینش، بر این پندارند که دین و هر چیزی که جنبه قداست و معنویت دارد، باید از روابط و فعالیت های اجتماعی بر کنار باشد. بنابراین پندار، دین، منحصر و محدود در امور فردی است و با مقوله های سیاست و اجتماع ناسازگار است. ریشه و اساس این تفکر را باید در موضع گیری های مغرب زمین در مقابل دین جست.

آنچه امروز در غرب، به عنوان کلیسا و واتیکان، مظهر معنویت شناخته می شود، حوزه مسؤولیتش، فقط دعا و اجرای مراسم ویژه در زمانها و مکانهای مخصوص است و کاری به کار سیاست و اجتماع ندارد، از این روی، دین در



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

1. The shorter oford English Dictionary. V. 2 1991.

۲. ماری بریجانیا، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ویراسته بهاء الدین، خرمشاهی، مرکز مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱.

تحولات و حوادث اجتماعی کشورهای غربی نقش و تأثیری ندارد و برای آن جایگاهی در نظر گرفته نمی شود.

در کشور ما نیز، روشنفکران غیر مذهبی، معمول، تحت تأثیر همین بینش قرار گرفتند و با هر نوع فعالیت و دخالت دین در امور اجتماعی به مخالفت برخاستند. این طرز تفکر، در بین بسیاری از روشنفکران به اصطلاح مذهبی و ملی گرایان، رواج یافت و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، بروز و ظهور بیشتر یافت، تا آن جا که اینان خواستار برگشت امام و روحانیت به قم شدند و بر این نظر اصرار می ورزیدند.

این نظر، یا برخاسته از عدم شناخت اسلام و روحانیت شیعه است و یا برخاسته از اغراض سیاسی.

اسلام، دینی است که هم به ساختن و پرداختن فرد اهمیت می دهد و به آن دعوت می کند و هم به ساختن و پرداختن جامعه.

امام، آنان که این اندیشه را در جامعه اسلامی ایران طرح می کردند و بر آن پای می فشردند، دارای طرح و برنامه می دانست که برای انزوای روحانیت طرح کرده بودند.

### جدایی دین از سیاست

عده ای دیگر بر این باور بوده و هستند که اساس، مسائل دینی را نباید با مسائل سیاسی و اجتماعی یکی دانست و به هم آمیخت، بلکه دین چیزی است و سیاست چیز دیگر. سیاست با دروغ، دغل، خدعه و... همراه است و شریعت و دیانت از این گونه امور، منزّه و به دور. بنابراین، بین دیانت و سیاست نمی توان جمع کرد. اینان، براساس همین باور نادرست و برداشت ناصحیح از دین و معارف الهی، هرگونه دخالت روحانیت و علمای دینی را در امور سیاسی و اجتماعی، خلاف شرع دانسته و برانزوا و دوری آنان از مسائل سیاسی اصرار می ورزند. (آخوند سیاسی) در نظر آنان یک فحش تلقی می شد و می شود. در منطق آنان پرداختن به امور سیاسی و اجتماعی خلاف شأن و مقام روحانیت است. فرقی نمی کند که نظام طاغوتی باشد یا اسلامی. این تفکر، هم در میان مردم معمولی هوادارانی داشت و دارد و هم در حوزه و در بین برخی از اهل علم رواج دارد و تبلیغ می شود. در مجموع، تز استعماری جدایی دین از سیاست، که ریشه در تفکر

دموکراسی، آزادی  
و سکولاریسم در  
اندیشه امام خمینی(ره)  
(۵۹ تا ۷۳)

سکولاریسم غربی دارد، در نزد اینان، مقبول افتاد و بر این اساس، قبل و بعد از انقلاب، در برابر امام و روحانیت معتقد به مبارزه سیاسی، موضع گرفتند. از این رو جمهوری اسلامی ایران که همواره به عنوان کشوری اسلامی سیاست را ملازم دین و اخلاق دانسته می‌باید به تقابل با سکولاریسم بپردازد و میباید در جریان‌مهندسی فرهنگی در کشور لزوم شناسایی جریانهای رقیب و متضادی چون سکولاریسم را سر لوحه برنامه‌ها و سیاستهای خود قرار دهد.<sup>۱</sup>

### هدف از ایجاد حکومت اسلامی

امام خمینی سلام الله علیه حفظ نظام جامعه اسلامی، جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج در میان امت اسلامی، حفظ حدود و ثغور کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و اجرای احکام الهی را از جمله اهداف اصلی در استقرار حکومت اسلامی می‌دانند: با توجه به این که حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان نزد خدا و خلق امری نکوهیده و ناپسند است، و پر واضح است که حفظ نظام و سدّ طریق اختلال، جز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه تحقق نمی‌پذیرد، لذا هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت باقی نمی‌ماند. علاوه بر آن چه گفتیم، حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب است. تحقق این امر نیز جز به تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست.<sup>۲</sup>



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

### نتیجه

از مجموع آنچه در این گفتار آمد می‌توان چنین نتیجه گرفت که حضرت امام بر اساس نگرش خیراندیشانه و شخصی به قدرت، سلامت و صلاح حکومت را مشروط به آن می‌داند که افراد جامعه با حضور خود در مراکز فرهنگی، اجرایی،

۱. عبوضی، محمد رحیم، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، تدوین نهاد مقام معظم رهبری در

دانشگاهها، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹

۲. شئون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع امام خمینی (ره)، چاپ چهارم:

تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴-ص ۲۳.

مقابله با جبهه ضد انقلاب، مستکبرین، ناهنجاریها اجتماعی، تصویب قوانین و اصول عزت آفرین، توجه دادن مردم به فرهنگ خودی و خویشتن باوری، مبارزه با سرمایه داران و ثروت اندوزان، دفاع قهرمانانه از مرزها جغرافیایی کشور، مقابله با تجزیه طلبان، حضور قوی در مجامع بین المللی، تبیین و تشریح اسلام و برنامه های جمهوری اسلامی و... در تثبیت انقلاب اسلامی و استقلال و عزتمندی کشور ایران و اعتلای کلمه حق، نقش محوری و غیر قابل انکاری داشته که کندوکاو در هر بخشی، مجالی فراختر می طلبد. به امید آن که محققان و پژوهشگران و علاقه مندان به تاریخ انقلاب اسلامی در ثبت و ضبط این اوراق زرین و پرافتخار، به جد جهد برخیزند و نگذارند تحریف گران، باقلمهای آلوده و سینه های پر از کینه و بغض خود، حماسه ای که امام (ره) به برکت اسلام و پشتوانه مردمی آفرید، از جلوه بیندازند و نسل حاضر و نسلهای آینده را از الگو قرار دادن این حرکت مقدس و تحول عظیم و سرنوشت ساز، باز دارند و نگذارند دگر بار، فرهنگ پوچی و ابتذال، غرب باوری و غرب زدگی، رخوت و سستی، بی تفاوتی و... رواج دهند و آن همه تلاش و ایثار را نقش بر آب کنند و به دشمنان به ذلت بیرون رانده شده، میدان فعالیت بدهند.

## کتابنامه

### قرآن کریم

- ابن منظور، جمال الدین بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵.
- اردبیلی، احمد، زبده البیان فی احکام القرآن، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۳ق.
- انصاری، مرتضی، مکاسب لجنه تحقیق تراثنا الشیخ الاعظم، ناشر مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵
- ایرانمنش، جلال، «اعانه ظالمین»، مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق "دانشگاه آزاد بابل"، شماره ۷، بی تا.
- بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۹ق.
- بلیغ، ناصر، دستور العمل برنامه سازی در رادیو و تلویزیون انگلستان، تهران، تحقیق و توسعه صدا، ۱۳۸۰ش.
- ترکشوند، علی اصغر، الگوی هنجاری رسانه ملی از دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
- جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۴.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- خمینی، روح الله، مکاسب المحرمه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- خمینی، روح الله، صحیفه نور، بی جا، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خوئی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، بی جا، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، قم، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، ق ۱۴۰۸.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

- فنخار طوسی، جواد، پژوهشی فقهی در خبر و خیر گزارشی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
- فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، مولف، تهران، ۱۳۸۴ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، نرم افزار جامع التفاسیر، موسسه نور.
- معتمد نژاد، کاظم، روزنامه نگاری، تهران، سپهر، ۱۳۶۸ش.
- نایینی، محمد حسین، المكاسب و البیع، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.

دموکراسی، آزادی  
و سکولاریسم در  
اندیشه امام خمینی(ره)  
(۵۹ تا ۷۳)